

پاسخ صحیح و جامع به پرسش از انقلاب، کدام پاسخ است؟ پاسخی که همه انقلاب را خلاصه در اقتصاد می‌کند؟ یا پاسخی که تفسیری روان‌شناسانه از انقلاب ارائه می‌دهد؟ یا شاید آن دسته از پاسخ‌های جامعه‌شناسانه؟ و یا... اگر پاسخ‌های تک‌عاملی و تک‌بعدی را پاسخ‌های جامعی ندانیم، که نمی‌دانیم؛ ضرورت پاسخی جامع‌تر احساس خواهیم کرد پاسخ جامع قطعاً از نگاهی جامع‌تر می‌خیزد. «انقلابی به نام دین» را بیش‌تر و بهتر از هر نگاه دیگری، نگاه دینی می‌تواند تفسیر و تحلیل نماید. دین امری جامع است و نگاه دینی لا‌جرم نیز. آیا می‌توان بر مبنای این نگاه، مدلی تحلیلی برای انقلاب اسلامی فراهم آورد؟ و بر این اساس پاسخی جامع و متناسب به پرسش از انقلاب اسلامی داد؟ متن حاضر که حاصل قلم حجت‌الاسلام والمسلمین کتابی می‌باشد، تلاشی است در این راستا.

## انقلاب در نهایی نو

### ارائه مدلی تحلیلی برای انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام محمد رضا کتابی

ریشه‌ها و تشخیص درست آن‌ها، بیان‌گر نقطه قوت مدل تحلیل می‌باشد.

■ ج) توجه به سطوح مختلف: در تحلیل بررسی پدیده انقلاب و ملاحظه شرایط و ریشه‌ها و عوامل نباید به سطح ملی و داخلی اکتفا نمود؛ بلکه بررسی این مجموعه از عوامل، شرایط و ریشه‌ها در بررسی آثار و کارکرد انقلاب می‌بایست سطوح دیگری - مانند منطقه‌ای و جهانی - را نیز ملاحظه و بررسی نمود.

■ د) پرداختن به تمام عوامل و عناصر تأثیرگذار: در شکل‌گیری و بروز انقلاب، علاوه بر عوامل و شرایط، افراد و عناصر نیز نقش کلیدی و مؤثری را ایفا می‌نمایند. بررسی رهبری انقلاب و نیروهای انقلابی و در مقابل نظام حاکم و نخبگان مؤثر در وقوع انقلاب به جامعیت و غنای تحلیل می‌افزاید.

■ ه) توجه به پویایی انقلاب: نگاه دینامیکی و ملاحظه فرایند انقلاب و عدم نگرش استاتیک و توجه به پویایی، در حال رشد بودن و توسعه‌یاب بودن انقلاب، از شاخصه‌های یک مدل مطلوب است. نگاه پویا و دینامیکی به ما کمک می‌کند که انقلاب به گونه‌ای تعریف و تحلیل شود که قدرت ارتباط حاد و عوامل شکل‌گرفته در مسیر شکل‌گیری انقلاب و آثار و نتایج انقلاب را با یکدیگر ملاحظه و بررسی نماییم. نظریاتی که معتقدند بررسی آثار دستاوردهای انقلاب ربطی به تحلیل آن ندارد از این شاخصه مهم بی‌بهره‌اند.

■ و) نظام‌مند بودن تحلیل: از شاخصه‌های یک مدل جامع و کارآمد، نظام‌مند بودن آن است؛ به نحوی که تمامی شرایط و عوامل و عناصر مؤثر در تحلیل انقلاب ملاحظه گردیده و جایگاه و واژه‌های کلیدی و تأثیرگذار در تحلیل در یک ربط منطقی و با اولویت‌گذاری میان آن‌ها مشخص باشد که این مجموعه منظم در واقع ماشین تولید تئوری و نظریه خواهد بود.

پوشیده نیست که تحلیل و نظریه‌پردازی در باب انقلاب‌ها و انقلاب اسلامی بر اساس یک مدل تئوریک و چارچوب نظری و علمی صورت می‌پذیرد و نظریاتی که فاقد این خصوصیت باشند دچار نقصان تحلیل بوده و مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به میزانی که یک مدل تحلیلی بتواند از نظام‌مندی و جامعیت بیش‌تری برخوردار باشد و عوامل و شرایط بیش‌تری را مورد توجه قرار دهد و به سطوح، لایه‌ها و ریشه‌های عمیق‌تری اشاره نماید، بالطبع از دقت و عمق بیش‌تری بهره‌مند بوده و تحلیل دقیق و درخور توجهی را ارائه خواهد نمود.

هر مدل تحلیل دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که شناسایی و قضاوت نسبت به مدل تحلیل، توسط آن شاخصه‌ها صورت می‌گیرد. لذا مقدمات و قبل از پرداختن به توضیح مدل تحلیلی به توضیح شاخصه‌های تحلیل می‌پردازیم.

### ۱. شاخصه‌های تحلیل

شاخصه‌های تحلیل، شناسایی و ابزارشناسی و ارزیابی مدل تحقیق می‌باشند و با توجه به آن شاخصه‌ها می‌توان نسبت به نظام‌مند بودن، دقت، قوت، پویایی، جامعیت و کارآمدی مدل به قضاوت نشست و سطح آن را از دیگر تحلیل‌ها متمایز نمود. شاخصه‌های یک مدل جامع در تحلیل انقلاب اسلامی عبارتند از:

■ الف) توجه به همه شرایط: مدل تحلیل به میزانی که بتواند تمام شرایط، زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری و وقوع انقلاب را شناسایی و بررسی نماید از قوت و اتقان بیش‌تری برخوردار خواهد بود و دچار یک‌سوگیری و ارائه تحلیل‌های کم عمق و تک بعدی نخواهد شد.

■ ب) توجه به همه ریشه‌ها: انقلاب پدیده‌ای دفعی و ناگهانی نیست و در هر شرایط و در هر جامعه‌ای رخ نمی‌دهد؛ خصوصاً انقلاب‌های کبیر و بنیادی که دارای ریشه‌های عمیق عقیدتی و فکری هستند، به سادگی اتفاق نمی‌افتد و از ریشه‌های عمیق تاریخی، فکری، ملی و... برخوردار است. ملاحظه و دقت نظر در این



## دو نگاه

به نظر می‌رسد برای ارائه تحلیلی جامع از یک انقلاب عظیم، پویا و متحرک علاوه بر تحلیل چرایی، و عوامل پیدایش انقلاب، می‌بایست به بررسی چیستی و ماهیت و نیز چگونگی و فرایند تحقق و تثبیت و روند تکاملی آن هم پرداخت

مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داد. از این‌رو تحلیل چرایی انقلاب در سه سطح مورد توجه قرار می‌گیرد.

زمینه‌های تاریخی: در این بخش عوامل و بستریهای تاریخی که انقلاب در آن اتفاق افتاده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به نوع نگاه و دیدگاه فلسفی ما نسبت به تاریخ در تحلیل انقلاب اسلامی به دو موضوع جایگاه انقلاب در درگیری تاریخی دو جبهه حق و باطل و نیز جایگاه انقلاب اسلامی در سیر تحولات و حرکت تکاملی جامعه شیعی پرداخته می‌شود و ریشه‌های تاریخی، عقیدتی، فرهنگی و هویتی انقلاب بحث می‌گردد.

زمینه‌های جهانی: بررسی شرایط و ویژگی‌های خاص جامعه جهانی و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بسیار حائز اهمیت است و به عمق تحلیل می‌افزاید. از این‌رو در تحلیل زمینه‌ها و بستریهای جهانی به مسائلی چون جهانی‌سازی مادی تحت عنوان مدرنیته و تجدد و هجوم به هویت فرهنگ ملت‌ها خصوصاً هویت دینی و مذهبی انسان و در کنار آن به سلطه همه‌جانبه و غارت منابع ملت‌ها و علاوه بر آن خلأها و بحران‌ها و پارادوکس‌های ناشی از این نظم نوین مادی پرداخته می‌شود.

زمینه‌های ملی: در تحلیل عوامل زمینه‌ساز و بستریهای داخلی وقوع انقلاب اسلامی سعی شده است در یک ساختار مجموعه عوامل ملی اعم از نامشروع بودن حکومت پهلوی از ابعاد مختلف استبداد، فساد، ناکارآمدی، سلطه بیگانگی، بی‌هویتی، مذهب‌ستیزی و عوامل شتاب‌زا بررسی گردد.

۲/۳ - «مبانی، اصول، اهداف» عناوین فرعی در تحلیل چیستی انقلاب اسلامی

ارائه تحلیل جامع از انقلاب در کنار تحلیل از چرایی و عوامل زمینه‌ساز وقوع انقلاب نیازمند تحلیل چیستی و ماهیت انقلاب است تا فهم و تحلیل عمیق‌تری از انقلاب به دست آید.

مبانی: هر انقلاب دارای یک مبنا نظری و مکتب فکری می‌باشد

## ۲ مدل تحلیل

پس از بیان شاخصه‌های تحلیل، اینک به بیان مدل تحلیل می‌پردازیم. این مدل در چهار بخش تنظیم گردیده است. در این مدل از لایه‌ها و برش‌های مختلفی به انقلاب اسلامی نگریسته می‌شود که ترکیب این لایه‌ها هویت کلی مدل را شکل می‌دهند و براساس آن تحلیل جامعی از انقلاب اسلامی ارائه می‌شود. بر این اساس مدل تحلیل ما از یک دسته عوامل اصلی و سه دسته عوامل فرعی تشکیل شده است که به اجمال در پی خواهد آمد.

## ۲/۱ - «چرایی، چیستی، چگونگی» عناوین اصلی مدل

به نظر می‌رسد برای ارائه تحلیلی جامع از یک انقلاب عظیم، پویا و متحرک علاوه بر تحلیل چرایی، و عوامل پیدایش انقلاب، می‌بایست به بررسی چیستی و ماهیت و نیز چگونگی و فرایند تحقق و تثبیت و روند تکاملی آن هم پرداخت.

چرایی: منظور از تحلیل چرایی انقلاب، پرداختن به مجموعه علل و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری انقلاب و بستریهای زمینه‌ساز پیدایش انقلاب می‌باشد.

چیستی: در تحلیل چیستی انقلاب، به مجموعه مفاهیم و تعاریفی که ماهیت و جنس انقلاب را معرفی می‌نمایند و باعث تمایز آن از دیگر انقلاب‌ها می‌گردند، پرداخته می‌شود.

چگونگی: مباحث مربوط به حوادث پی‌درپی و فرایند و توالی وقایعی است که در انقلاب اتفاق می‌افتد و مراحل تحقق و پیدایش و هم‌چنین روند تغییرات را در جهت تثبیت و تکامل انقلاب، رقم می‌زند.

## ۲/۲ - بستریها و زمینه‌های «تاریخی، جهانی، ملی» عناوین فرعی در تحلیل چرایی انقلاب اسلامی

در تحلیل چرایی انقلاب اسلامی می‌بایست از تحلیل‌های تک‌بعدی و تک‌عاملی پرهیز نمود و تمام عوامل و زمینه‌های

برابر با تاریخ خلقت دارد. قرآن کریم در آیه الکرسی به روشنی به وجود این دو جبهه تصریح می‌نماید و خدای متعال و مؤمنان را در یک جبهه و طاغوت و کافران را در جبهه مقابل جای می‌دهد. آنجا که خدای متعال می‌فرماید: الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات.

۱) درگیری دو جبهه حق و باطل جامع و دائمی است. وسعت و دامنه این درگیری که تمام تاریخ را پوشانده است، از ابعاد مختلف قابل بررسی است. این رویارویی از ابتدای خلقت آغاز گردیده است و تا برپایی حکومت جهانی حق و محو باطل ادامه خواهد داشت و هیچ مقطعی از تاریخ فارغ از این نبرد نبوده است. از سویی دیگر مقابله دو جبهه نور و ظلمت محدودیت خاصی نداشته و همه ابعاد و شئون فردی، اجتماعی و تاریخی را شامل می‌شود و در واقع یک درگیری حدانگیزی است.

۲) این درگیری همه جانبه است. مهم‌ترین موضوع درگیری و میدان اصلی این نبرد، تلاش برای در اختیار گرفتن سرپرستی انسان و جامعه می‌باشد و تسلط بر ابزار و امکانات و منابع فرغ بر این موضوع اصلی است.

انقلاب اسلامی پرچم‌داری جبهه حق در این مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی به تعبیر ظریف امام عزیز (ره) انفجار نور در ظلمت‌کنده تمدن مادی و محصول مقاومت جبهه ایمان و حق در برابر هجوم همه جانبه باطل است و در این مقطع از تاریخ پرچم‌دار جبهه حق و در مقابل تمامیت‌طلبی جبهه باطل قد علم کرده است. این انقلاب با انگیزه‌های الهی و ایمانی و تلاش برای آزادی جامعه خود و مسلمین و در نهایت کل بشریت از یوغ بندگی تمدن مادی و جبهه باطل و مقابله با اهداف توسعه‌طلبانه آنان و نیز توسعه شعار لاله‌الله و توحید و بندگی خدای متعال به وقوع پیوست. انقلاب اسلامی با اعلام این پیام که می‌توان از گذرگاه اخلاق، دین و معنویت به آسایش، رفاه و امنیت رسید و با اثبات کارآمدی دین در عرصه حیات اجتماعی و ایجاد انقلاب عظیم اسلامی با انگیزه‌ها و راهبردهای دینی، دین را از انزوا و مهجوریت خارج ساخت و به کانون توجهات جهانی تبدیل نمود.

### جایگاه انقلاب اسلامی در سیر تحولات جامعه شیعی

#### ۱- تکامل جامعه شیعی در دوران حضور امامان

معصوم (علیه‌السلام)

گام نخست و مهم امامان معصوم علیهم‌السلام در روند تکاملی جامعه شیعی، تلاش برای «رشد و توسعه ظرفیت‌های روحی و عاطفی» بوده است. در این زمینه تأکید فراوانی از ناحیه آن بزرگواران، بر داشتن محبت به خدای متعال و رسولان الهی و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام و نسبت به دشمنان آنان، وجود دارد. این حب و بغض‌ها مهم‌ترین عامل در پرورش روحی شیعیان می‌باشد. به جرات می‌توان عنصر محوری در این زمینه را قیام عاشورا دانست. چرا که این واقعه عظیم، ظرفیت تمایلات شیعه را بسیار بالا برد و برای همیشه عواطف و گرایش‌ها را به شیعه را حول این محور مقدس جمع‌آوری و سازماندهی کرد.

گام دوم، اعتلای بعد علمی و فرهنگی شیعیان و تقویت قوه تفکر و بینش آنان بود. در این راستا حضرت امام سجاد علیه‌السلام چندین فعالیت را به‌طور هم‌زمان برای ایجاد ظرفیت‌های جدید در جامعه شیعه آغاز نمودند. از یک سو با ذکر مصائب پدر بزرگوارشان و گریه دائم بر آن حضرت، ظرفیت‌های عاطفی شیعه را نسبت به آن بزرگوار و اهل بیت عصمت توسعه بخشیده و از سوی دیگر با روش‌های گوناگون در قالب انتقال معارف عمیق اسلام و تشیع

که اساس، ریشه و زیربنای انقلاب محسوب می‌گردد و در تعیین ماهیت، جهت‌گیری و هویت‌بخشی به انقلاب نقش اساسی را ایفا می‌نماید. با توجه به هویت شیعی انقلاب اسلامی برای تحلیل مبانی آن، نوع نگاه و مبانی اعتقادی و فکری تشیع و معارف اسلامی به هستی و جهان، انسان، جامعه، حکومت و تاریخ که در واقع یک مکتب فکری منسجم و هماهنگ را ارائه می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصول: در کنار مبانی نظری و اعتقادی، اصولی وجود دارد که چهارچوب و اسکلت و در واقع نمای بیرونی انقلاب را شکل می‌دهد و راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات اساسی برای تعیین افق‌های پیش‌رو و جهت‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی و طراحی الگوهای رشد و توسعه برای انقلاب براساس آن‌ها تنظیم می‌گردد. این اصول عبارتند از: اسلام‌محوری، ولایت‌مداری، عدالت‌محوری، استکبارستیزی، عزت‌مداری و خودکفایی.

اهداف: از عوامل و مسائلی که چیستی و ماهیت انقلاب را بهتر نمایان می‌کند، آشنایی با آرمان‌ها و اهداف و آرزوهای آن انقلاب و قله‌هایی است که انقلاب برای فتح آن‌ها خیز برداشته است.

#### ۲/۴ - «پیدایش، تغییرات، تکامل» عناوین فرعی در تحلیل چگونگی انقلاب اسلامی

در کنار تحلیل از چرایی و چیستی انقلاب بحث از چگونگی و پرداختن به فرایند اتفاقات در وقوع انقلاب اسلامی و تحلیل مراحل پیدایش، تغییرات و تکامل انقلاب، مکمل بخش‌های دیگر و تکمیل‌کننده مجموعه و ساختار تحلیل جامع خواهد بود. پیدایش: پرداختن به مباحث مربوط به فرایند حوادث و وقایعی که منجر به ظهور و بروز و آغاز انقلاب می‌گردند و پیروزی انقلاب را تحقق می‌بخشند. معنای «پیدایش» در تحلیل چگونگی انقلاب است.

تغییرات: بعد از مرحله پیدایش و تحقق انقلاب، حوادث و اتفاقاتی رخ می‌دهد که پشت سر گذراندن آن وقایع و عبور از آن، منجر به تثبیت و پابرجایی انقلاب می‌گردد که از این مرحله با عنوان «تغییرات» نام برده می‌شود.

تکامل: انقلابات بزرگ اجتماعی توقف‌ناپذیرند و حرکتی تکاملی و رو به رشد و همواره نگاهی رو به جلو و آینده دارند. با شناسایی وضعیت مطلوب انقلاب و تعریف آرمان‌ها و اهداف و ابزارهای رسیدن به آن هدف‌ها، روند تغییرات را باید به گونه‌ای مدیریت نمود تا انقلاب به کمال خود دست پیدا کند. البته کمال هم نقطه توقفی ندارد و روند بهینه انقلاب هم چون چشمه جریان دارد. از این فرایند در تحلیل چگونگی انقلاب به عنوان «تکامل» یاد می‌گردد.

#### ۱ تحلیل چرایی پیدایش انقلاب اسلامی

بررسی بسترها و زمینه‌های تاریخی از آنجا ضرورت می‌یابد که تغییر و تحولات اجتماعی در بستر تاریخ اتفاق می‌افتد و با تکامل تاریخ است که تکامل جامعه معنا می‌یابد. اگر براساس نگاه فلسفه تاریخ اسلامی، شکل‌گیری جوامع در بستر تاریخ، محصول درگیری حق و باطل می‌باشد، تحولات انقلاب اسلامی هم در همین راستا قابل ارزیابی است. لذا در بررسی علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن باید به جایگاه انقلاب اسلامی در درگیری تاریخی دو جبهه حق و باطل و هم‌چنین در سیر تحولات جامعه شیعی به‌عنوان دو محور اساسی توجه نمود.

#### ۱ جایگاه انقلاب اسلامی در راستای درگیری تاریخی دو جبهه

##### حق و باطل

درگیری و جنگ دو جبهه حق و باطل و نور و ظلمت عمری

**دو نگاه**

درگیری دو جبهه حق و باطل جامع و دائمی است. وسعت و دامنه این درگیری که تمام تاریخ را پوشانده است، از ابعاد مختلف قابل بررسی است. این رویارویی از ابتدای خلقت آغاز گردیده است و تا برپایی حکومت جهانی حق و محو باطل ادامه خواهد داشت

گذشتگان ممکن نبود. به خصوص در این میان نقش عالمانی هم چون خواجه نصیرالدین طوسی و نیز محقق حلی در ترویج مکتب شیعه در زمان ایلخانان و رشد مذهب تشیع در سرزمین ایران، بسیار مؤثر بوده است. از دیگر عوامل مؤثر در گسترش و نفوذ شیعه، وجود حکومت شیعه آل بویه و دیگر حکومت‌های شیعی می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### هجرت عالمان شیعه

پادشاهان صفویه به دلیل نیاز به علمای شیعه برای تثبیت بنیان‌های فکری و مشاوره در امور جامعه، از ایشان در کشورهای دیگر برای حضور در ایران دعوت به عمل آورده و آنان نیز که فضا را برای یک تحول و جهش آماده می‌دیدند، این دعوت را اجابت کرده و بدین ترتیب شخصیت‌های بزرگوار چون محقق ثانی (کرکی) و شیخ بهائی به ایران هجرت نمودند و همراه با بزرگانی چون علامه مجلسی در قدرت حضور یافتند.

محقق کرکی به همراه علمای کرکی و به طور کلی جبیل عامل، از طریق تألیف آثار علمی و تربیت شاگردان ایرانی و تأثیر مستقیم بر روی شاه اسماعیل و شاه طهماسب، بستری مناسب برای گسترش تشیع در ایران از یک سو و تغییر رویه فکری حکومت از «تشیع صوفیانه» به «تشیع فقیهانه»

ایجاد کردند.<sup>۲</sup> بر این اساس نقش محقق ثانی در چهار جهت دارای اهمیت می‌باشد: ۱- تقویت مذهب شیعه ۲- مبارزه با تصوف و مظاهر آن ۳- تقویت بنیه فقهی دولت صفوی ۴- طرح مسئله ولایت فقیه و اعتبار رأی مجتهد زنده.<sup>۳</sup>

سرانجام تلاش عملی برای ترویج فرهنگ ناب تشیع و ترویج فقه شیعه آن‌چنان مؤثر بود که در اواخر دوران صفویه، واژه صوفی که روزی قرین واژه صفویه بود، به یک واژه تحقیرآمیز تبدیل شده<sup>۴</sup> و بدین ترتیب تصوف در ایران به‌طور کامل در تشیع ذوب شده و تابع آن گردید. نکته مهم دیگر آن که ولایت فقیه و اعتبار رأی مجتهد زنده از پیش در فقه شیعه مطرح بود، اما بازنمایی آن توسط محقق کرکی به‌عنوان یک فقیه برجسته، آن هم در دوره‌ای که یک حکومت شیعی مستقر شده بود، تعریف جدیدی از نفوذ و قدرت فقها به حساب می‌آمد. به‌ویژه آن‌که او نخستین کسی بود که در اعتبار رأی مجتهد زنده، رساله مستقل نوشته و پس از وی این بحث معرکه آراء میان فقها شد.<sup>۵</sup>

#### نهضت مشروطه

نهضت مشروطیت که در آغاز نهضت عدالت‌خواهی بود، نشان‌گر مقطعی از بلوغ جامعه شیعی است که در آن قدرت ایجاد انقلاب و تغییرات اجتماعی در پرتو انگیزه‌های ایمانی توسط مردم و علمای شیعه به تصویر کشیده می‌شود. در واقع علمای شیعه

در قالب ادعیه و مناجات و خریدن برده و کنیز و آموزش علمی و عملی معارف به آنان و سپس آزادی آنان و نیز کمک به فقرا و مستضعفان به واقع به ایجاد ظرفیت‌سازی عاطفی و فکری و ایمانی پرداختند.

پس از شهادت امام سجاد علیه‌السلام حضرت امام باقر و امام صادق علیه‌السلام با استفاده از فضای مطلوب ایجاد شده در اثر کشمکش بنی‌امیه و بنی‌عباس، پایه‌های تأسیس یک مرکز بزرگ علمی را در مدینه بنیان نهادند و از یک سو به نظام‌مند نمودن معارف شیعه و ارائه آن در حد یک مکتب و ایدئولوژی پرداخته و از سوی دیگر به تربیت شاگردان قوی در رشته‌های مختلف علمی همت گماشتند و آنان را در سرتاسر بلاد اسلامی پراکنده نمودند.

گام سوم و یا همان ظرفیت‌سازی «رفتاری و عملی» را می‌توان به‌عنوان تولی تام و صبر و بصیرت و انسجام رفتار و عمل جامعه شیعه در پذیرش ولایت و هم‌چنین موضع‌گیری، اقدام مناسب و آمادگی ایشان برای دوران جدایی و

غیبت امام، تعریف نمود. چرا که بعد از تثبیت قدرت دولت بنی‌عباس، حضرت معصومین علیه‌السلام از این پس سعی نمودند تا شیعه را برای دوری از امام و غیبت آخرین ذخیره الهی آماده کنند به نحوی که بتواند با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده به مقصد خود ادامه داده و قدرت دفاع از هویت جمعی و عقیده خود را داشته باشند.

در این راستا با بررسی سیر حرکت جامعه شیعی در می‌یابیم که انشعابات ایجاد شده در شیعه نظیر زیدیه، کیسانیه، فطحیه و اسماعیلیه و در آخر واقفیه به تدریج بعد از این ظرفیت‌سازی‌ها کم می‌شود به نحوی که بعد از شهادت امام رضا علیه‌السلام با این که امام جواد علیه‌السلام کودکی نه ساله بودند، هیچ تفرقه و انشعابی در جامعه شیعی اتفاق نمی‌افتد و به اتفاق امامت ایشان پذیرفته می‌گردد و در ادامه نیز امامت امام هادی علیه‌السلام و آقا امام زمان علیه‌السلام نیز در کودکی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. براین اساس پس از غیبت کبرای امام عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»، جامعه شیعه در ولایت و عمر طولانی ایشان نیز تردیدی به خود راه نداد.

#### ۲-۲- تکامل جامعه شیعی در دوران غیبت

##### دولت صفویه

در طی سال‌های متمادی جامعه شیعی از قدرت به دور بود و با احتیاط و تقیّه به حرکت رو به رشد خود ادامه می‌داد. دولت صفویه اولین دولت شیعی بود که علمای شیعه در آن حضور پیدا کرده و در واقع نوعی حکومت دینی شیعی در قالب تعامل میان سلطان و فقیه محقق گردید. اگرچه دولت صفویه اولین دولت شیعی است که به قدرت رسیده است، اما امکان تحقق این دولت بدون پشتوانه و ریشه تاریخی گذشته و تلاش پی‌گیر

#### دو نگاه

انقلاب اسلامی به تعبیر ظریف امام عزیز (ره) انفجار نور در ظلمت کده تمدن مادی و محصول مقاومت جبهه ایمان و حق در برابر هجوم همه جانبه باطل است و در این مقطع از تاریخ پرچم‌دار جبهه حق و در مقابل تمامیت‌طلبی جبهه باطل قد علم کرده است







## دو نگاه

نهضت مشروطیت  
که در آغاز نهضت  
عدالت‌خواهی بود،  
نشان‌گر مقطعی از بلوغ  
جامعه شیعی است که در  
آن قدرت ایجاد انقلاب و  
تغییرات اجتماعی در پرتو  
انگیزه‌های ایمانی توسط  
مردم و علمای شیعه به  
تصویر کشیده می‌شود

نهضت حمایت نمی‌کردند در نطفه خفه می‌شد.<sup>۱۰</sup> (ب) در جنبش مشروطه از یک سو قدرت ایمان و انگیزه‌ها و ارزش‌های دینی در ایجاد انقلاب و تحولات اجتماعی نمایان و از سوی دیگر برای نخستین بار سخن از دخالت و حضور دین در عرصه قانون‌گذاری و امور اجتماعی مطرح گردید. نهضت مشروطه ابتدا نهضت عدالت‌طلبی بوده و تقاضای اصلی آن تأسیس عدالت‌خانه و به تعبیر جامع‌تر ایجاد عدالت در حکومت آن هم بر مبنای شرع مقدس بوده است. این انقلاب برخاسته از عمق خواسته‌ها، مطالبات، باورها و ارزش‌های جامعه ایرانی بود اما نظامی که به نام نظام مشروطه روی کار آمد چنین ویژگی‌هایی نداشت.<sup>۱۱</sup> لذا این جریان در واقع آغاز حرکت تفکر دین‌حداکثری است که دین و شریعت اسلامی را جامع و کامل دانسته و معتقد است که دین مبین اسلام و احکام شریعت علاوه بر سرپرستی فرد، باید در تمام شئون زندگی اجتماعی جریان یافته و برنامه‌ریزی و قوانین اجتماعی بر آن اساس تنظیم گردد. (ج) روشن شدن ماهیت جریانات و گروه‌های دخیل در ماجرای مشروطه، دیگر دستاورد ذی‌قیمت مشروطه می‌باشد. اگرچه در مشروطه گروه‌ها و جریان‌های متفاوتی دخیل بوده‌اند و لیکن دو جریان روشنفکران و روحانیت، دارای نقش اصلی بوده‌اند. جریان روشنفکران و تجددگرایان، با تمنا کسب تکنولوژی فرهنگی آغاز و با تلاش‌های افرادی هم‌چون میرزا ملکم‌خان به تولد ایدئولوژی فرهنگی رسید.<sup>۱۲</sup> این تولد ایدئولوژیک نسبت به غرب به آنجا منتهی گردید که برخی نمایندگان مجلس در مشروطه گفتند: اکنون عصر قرآن و مباحث دینی نیست؛ بلکه باید از طریق تفکر دموکراتیک و وضع قوانین جهان‌عرفی، راه پیشرفت و ترقی و مدنیت را پیمود.

اما روحانیت و عالمان دینی در جریان انقلاب مشروطه به دو دسته یا دو جریان تقسیم گردیدند: دسته اول شامل طباطبائی، بهبهانی و مرحوم آخوند خراسانی بودند که مشروطیت را بر پایه

اگرچه بعد از تثبیت دولت صفویه تأثیرگذار بودند، ولی در مشروطه مردم و عالمان شیعه خود اقدام به قیام نمودند و ظرفیت جدیدی بروز داده و در واقع فقه سیاسی شیعه در این نهضت، تجلی تازه و خاصی یافت.

در نهضت مشروطه، مردمی که از ظلم و ستم و استبداد، ناامنی، بی‌لیاقتی حاکمان و سلطه بیگانه به تنگ آمده بودند، به رهبری آیت‌الله طباطبائی و سیدعبدالله بهبهانی مبارزات خود را شروع کرده و خواسته خود را در قالب تشکیل عدالت‌خانه برای جلوگیری از ظلم و ستم، بیان داشتند. اما در این میان با هجرت رهبران نهضت به قم که به هجرت کبری مشهور شد،<sup>۱۳</sup> انگلیسی‌ها به کمک فراماسون‌ها و روشن‌فکران و با تشویش افکار عمومی و بیسم دادن مردم از ترس حمله روس‌ها، مردم را به سفارت انگلیس کشاندند و بدین ترتیب حدود ۱۲۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ نفر، در آنجا متحصن گردیدند. در سفارت انگلیس، سخنرانانی با بیان فوائد مشروطیت و تبلیغات، موفق شدند، متحصنین را متقاعد نمایند که خواهان حکومت مشروطه گردیده و عدالت‌خانه را که اصلی‌ترین درخواست آنان بود، به فراموشی بسپارند.<sup>۱۴</sup> این پذیرایی یک ماه به طول انجامیده و در همین زمان و همین مکان درخواست تأسیس مجلس شورای ملی و قانون اساسی برای آن مطرح شد؛<sup>۱۵</sup> بنابراین علما در بازگشت از قم با عمل انجام شده مواجه گشتند و نهضت عدالت‌طلبی مسیر دیگری در پی گرفت و سرانجام روشن‌فکران غرب‌گرا و فراماسون‌ها به تصفیه مخالفین پرداخته و آثار دین در مشروطیت زدوده شد و نظام مطلوب انگلستان مستقر گردید.<sup>۱۶</sup>

## دستاوردهای مشروطه

الف) نهضت مشروطه نشان‌گر مقطعی از بلوغ جامعه شیعه است که قدرت ایجاد انقلاب و دگرگونی‌های اجتماعی را توسط مردم و عالمان شیعه نمایان می‌سازد. در انقلاب مشروطه، علما، وعاظ و طلاب با مردم و بازاریان، پیوند نزدیک داشته و اگر علما از این

د: اما مهم‌ترین نقیصه و کمبود نهضت مشروطه که باعث هدر رفتن زحمات عالمان شیعه و مرجعیت گردید، نهادینه نشدن بحث ولایت فقیه و عدم درک ضرورت وجود ولی فقیه است که در ادامه رهبری نهضت را به روشن‌فکران سپرد و عملاً بعد از پیروزی نهضت روحانیت، نتوانست بر انقلاب مشروطه مدیریت کند. بحث ولایت فقیه که مرحوم کرکی در عصر صفویه مطرح نمودند، در عصر مشروطیت به ثمر ننشسته و نظام سلطنتی به‌عنوان یک نظام پذیرفته شده و لازم‌الاجرا در ارتکازات عمومی وجود داشت. از این رو بعد از سقوط محمدعلی شاه باز هم نظام شاهنشاهی پابرجا مانده و فرزند ۱۲ ساله او احمدعلی شاه به سلطنت برگزیده می‌شود.

#### انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی نشانه بلوغ و تکامل نسبی جامعه شیعه در تمامی ابعاد است و این جریانی رو به رشد است که به سمت بلوغ تام در سطوح مختلف در حال حرکت است. از یک سو شاهد بلوغ روحی و عاطفی جامعه شیعه در اظهار برانیت و نفرت از دشمنان داخلی و نظام سلطه جهانی و تبری از آنان و مقابله با فرهنگ دنیامحور آنان و عکس‌العمل در برابر تمدن دین‌ستیز حاکم بر جهان می‌باشیم. از سوی دیگر نیز می‌توان بلوغ فکری و علمی را در توسعه قدرت اجتهاد عالمان شیعه و نجیبگان آن و رشد و قوت گرفتن ورود به مباحث حکومت اسلامی و دخالت شریعت در حکومت و تولید نظریه حکومت اسلامی از سوی حضرت امام<sup>(ع)</sup> مشاهده نمود. البته بلوغ فکری را در جریان‌شناسی و شناخت مبانی فکری جریانات تقاطعی و الحادی و اتخاذ موضع صحیح در قبال آن تفکرات و هم‌چنین صیانت از انقلاب اسلامی، ملاحظه کرد. این نقطه قوت همان نقطه ضعف جنبش مشروطه بود که در آن عمق تفکرات روشن‌فکری و تجددطلبی و باطن‌تجدد و مدرنیته برای انقلابیون روشن نبود و لذا عملاً مدیریت نهضت در دست جریانات روشن‌فکری قرار گرفت و از اهداف اولیه خود منحرف گردید.

بلوغ عملی و رفتاری نیز در انقلاب مشاهده می‌شود؛ چراکه در آن برخلاف انقلاب مشروطه یک رهبری و سازماندهی منسجم و واحدی حکم‌فرما بوده است که هم‌زمان توانایی مدیریت صحنه، حوادث و اتفاقات، شناخت دشمن خارجی و داخلی و خنثی‌سازی توطئه‌ها و کنترل بحران‌ها، سازماندهی عواطف، هیجان‌ها و شور انقلابی مردمی و ایجاد انسجام در عمل و موضع‌گیری و سرانجام اقدام مناسب و مدیریت هوشمندانه را در تمامی صحنه‌های انقلاب، همراه با صبر و بصیرت به عهده دارد. اما عنصر ویژه و پرنسب در بلوغ عملی جامعه شیعه در انقلاب اسلامی که آن را با دیگر انقلاب‌ها و تمام ادوار دیگر جامعه شیعی متمایز می‌گرداند، وجود عنصر ولایت فقیه است.

#### تحلیل چستی و ماهیت انقلاب اسلامی

##### مبانی انقلاب اسلامی

هر انقلابی مسبوق به نظامی از اندیشه و تفکر است که مبنای نظری و مکتب فکری آن را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر اندیشه‌ها و تفکرات، همواره بخشی از وضعیت پیش از انقلاب هستند و بدون آن‌ها انقلاب وجود نخواهد داشت.<sup>۱۳</sup> مبانی یک انقلاب مکتب خاص و جهان‌بینی ویژه‌ای است که به‌درغم خود، قدرت جواب‌گویی و حل مسائل و موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دارد و به میزانی که آن مکتب و جهان‌بینی منطبق با واقعیت‌های جهان هستی باشد، به نسبت جامعیت و قدرت کارایی آن کم و زیاد می‌شود.<sup>۱۴</sup>

انقلاب اسلامی ایران در یک جامعه شیعی و بر اساس نوع نگاه

اصول شریعت اسلامی معنی می‌کردند. اینان مشروطه را مترادف با قانون و قانون را زاییده تفکر دینی می‌دانستند و از این حیث این نظم را مقدس می‌شمردند.<sup>۱۳</sup> توجه بیش از حد این جریان به ساختار نظام استبدادی حاکم بر ایران و ضرورت تبدیل آن به یک نظام غیراستبدادی، قدر مقدور آن‌ها از حاکمیت اسلامی در عصر غیبت بود. این امر باعث شد از تأثیر نظام سیاسی جدید بر ارکان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و بافت جامعه، غفلت کنند.<sup>۱۴</sup> در این زمینه مرحوم نائینی صاحب کتاب «تنبيه الامه» فکر می‌کرد که اروپائیان اصول و تمدن و سیاست اسلامی را از کتاب، سنت و فرامین امام علی<sup>(ع)</sup> اخذ و به آن عمل کرده‌اند و گرفتاری مسلمانان در غفلت از این اصول بوده است. این عالم بزرگوار فکر می‌کرد، از آنجا که اسلام کامل‌ترین دین است، نباید کمالی هم‌چون علم و فن‌آوری و دموکراسی در جهان وجود داشته باشد که اسلام فاقد آن باشد.<sup>۱۵</sup> بدین ترتیب جریان اخیر، همان رهبران اصلی در پیروزی انقلاب بودند، ولی در تأسیس نظام و تنظیم قوانین جدید، نتوانستند نقش مؤثر را ایفا نموده و بنابراین میدان در عمل به تجددگرایان روشن‌فکر، واگذار گردید.

دسته دوم موسوم به مشروعه‌خواهان و به رهبری شیخ فضل الله نوری، با هر دو جریان فوق مخالف بوده و مشروطه را سوغات غرب می‌دانستند. شیخ فضل الله تعبیر جریان دوم را با روش اصولی به نقد گرفته و آن‌ها را نامعقول و نامشروع تلقی می‌کرد و منورالفکران حامی مشروطه را لامذهب، بی‌دین و ازادطلب که احکام شریعت را قید به حساب می‌آوردند، می‌خواند.<sup>۱۶</sup> در دیدگاه شیخ و یارانش احکام شریعت، با اصول مشروطگی ناسازگار بوده و آن را یک تفکر انحرافی می‌دانستند و مشروطه را در کنار فرقه‌ها و تفکراتی هم‌چون آناشیسیت، نیهیلیست، سوسیالیست، ناتورالیست و بایبیت و در یک مجموعه ملاحظه می‌نمودند. چرا که همگی منکر ادیان و حقوق و حدود هستند.<sup>۱۷</sup> سرانجام دو جریان مشروطه‌طلب، مقاومت و نقد جریان مشروعه‌خواه را تاب نیاورده و در یک اتحاد تاکتیکی جریان سوم را در هم کوبیدند.<sup>۱۸</sup> لذا بعد از اعدام شیخ فضل الله و ترور بهبهانی و تسلط روشن‌فکران غرب‌زده، علما از مشروطه به‌طور کلی مایوس شده و گوشه‌گیر و بعضاً متنفر از سیاست گشتند. حتی برخی گفته‌اند، میرزای نائینی، کتاب «تنبيه الامه» را جمع‌آوری کرده و در دجله انداخت و مراجع کم و بیش از عرصه سیاست، خارج شدند.<sup>۱۹</sup>

عبرت‌های مشروطه

نهضت مشروطه دارای عبرت‌هایی است که نشان‌گر نقاط ضعف عمل و تفکر جامعه شیعی در آن مقطع خاص می‌باشد.

الف: اختلافات موجود در بین دو گروه مؤثر از روحانیت در مشروطه، بیان‌گر فقدان نظم فکری و انسجام رهبری از یک سو و نشناختن عمق تفکرات تجددگرایی است.

ب: ضعف در مدیریت بحران و عدم شناخت کافی از قدرت طراحی و توطئه دشمن بیرونی به‌ویژه رژیم انگلستان را نیز می‌توان در هجرت علما به قم و خالی گذاشتن صحنه اصلی درگیری ملاحظه نمود.

ج: مشروعه‌خواهان به رهبری شیخ فضل الله اگرچه ماهیت و باطن مشروطه و روشن‌فکران را به‌خوبی درک کرده و ناسازگاری تفکر و عمل آنان را با اسلام ناب، دریافته بودند؛ لیکن به‌گونه‌ای عمل کردند که شائبه حمایت از استبداد، از موضع‌گیری‌های آنان استشمام گردید و همین باعث اتحاد جریانات دیگر در مقابل آنان شد. به گمان ما سکوت در مقابل حمله به مجلس و سرکوب مشروطه‌خواهان و عدم موضع‌گیری از سوی آنان و تأکید بر اسلام‌خواهی و شریعت‌محوری می‌توانست جایگاه خاص آنان را حفظ نماید و این جریان دچار این سرانجام نگردد.

#### دو نگاه

انقلاب اسلامی نشانه بلوغ و تکامل نسبی جامعه شیعه در تمامی ابعاد است و این جریانی رو به رشد است که به سمت بلوغ تام در سطوح مختلف در حال حرکت است

دریافت شده از معارف اسلامی و شیعی به هستی، جهان، انسان، جامعه و حکومت و نیز سیر حرکت تکاملی تاریخ شکل گرفته و ریشه در آن‌ها دارد و دقیقاً این نوع نگاه و مبانی اعتقادی و فکری خاص است که مبانی نظری انقلاب اسلامی را با مبانی نظری تمدن جدید متفاوت می‌کند و راه آن‌ها را از هم جدا می‌سازد. بی‌گمان نظم و انسجام درونی، سرعت پیروزی، وحدت یکپارچه، هماهنگی تنظیمات و رهبری قاطع در انقلاب اسلامی نشانه کارآمدی این مبانی می‌باشد که قدرت هماهنگ‌سازی و به وحدت‌رسانی این کثرات مختلف را داشته است.

#### جهان‌بینی و هستی‌شناسی

اگر نوع نگاه ما به هستی و خلقت متأثر از مبانی ماتریالیستی دنیای مدرن امروز باشد و جهان را چون یک دهکده جهانی با اغراض و غایبات و فرهنگ پوزیتیویستی تصور کنیم، با این رویکرد انقلاب اسلامی جز یک بازگشت مرتجعانه به عهد اسطوره‌ها چیز دیگری نمی‌باشد؛<sup>۳۱</sup> اما اگر معتقد باشیم جهان هستی با هدف و برای غایتی خلق شده که آن جریان تعبد و بندگی خدای متعال در تمامی شئون و سطوح است؛ و این جهان تحت سرپرستی و ربوبیت حضرت حق است و رو به کمال می‌رود و کمال فرد و جامعه هم این است که خود را با روند حرکت خلقت هماهنگ

نموده و در راه تحقق این هدف جهاد و تلاش کرده و موانع بر سر راه تحقق آن را زدوده و سهم تأثیر خود و جامعه خود را در روند حرکت تکاملی تاریخ بالا ببرد و سهم تأثیر بیش‌تری ایفا نماید، در این صورت انقلاب اسلامی به گونه‌ای دیگر تحلیل خواهد شد.

#### انسان‌شناسی

از دیگر مبانی مهم انقلاب اسلامی نگاه الهی، عمیق و جامع به انسان می‌باشد و شاید بتوان گفت این انقلاب با انقلاب درونی

انسان‌ها آغاز گردید و به انقلاب در جامعه ختم شد. بر این اساس شناخت کامل انسان، در مکتب انسان‌ساز اسلام از مهم‌ترین مبانی شناخت انقلاب اسلامی می‌باشد. انقلاب اسلامی ریشه در نظام اندیشه و تفکری دارد که انسان را عبد و مخلوق خدای تبارک و تعالی دانسته و این عبودیت مصحح حرکت او در امور فردی و اجتماعی است؛ از این رو انسان خود را در مقابل خدای متعال دارای تکلیف می‌داند و تکلیف‌گرا است و نتیجه امور را به خداوند قادر متعال واگذار می‌کند که این بعد تکلیف‌گرایی و پیروزی و نصرت را از آن خدای متعال دانستن، در انقلاب و امام نمود عینی یافت.<sup>۳۲</sup> از این منظر انسان برای مقام خلیفه الهی<sup>۳۳</sup> و جانشین خدا و جریان بندگی<sup>۳۴</sup> خداوند متعال در زمین خلق شده است و طبیعت برای دست‌یابی به این هدف مبارک، مستخر بشر است و باید در جهت تعالی و رشد انسان و در خدمت او باشد. لذا از این زاویه نیاز انسان به دین و شریعت، امروز به مراتب شدیدتر از گذشته می‌باشد و انسان در هر گام و هر حرکت فردی و اجتماعی و در تمام تصمیمات خرد و کلان خود نیاز به هدایت و دستگیری دین دارد. به این ترتیب تفاوت جوهری تعریف و نوع نگاه به انسان در

جهان‌بینی الهی و معارف شیعی با اندیشه غربی آشکار می‌شود؛ اندیشه غربی در صورت‌های مختلف خود او مانیسیم - لیبرالیسم، کمونیسم و سکولاریسم اساساً یک موج فرهنگی است که در آن لذت‌گرایی و خوش‌گذرانی و مصرف‌گرایی، مفاهیم اصلی یک زندگی خوب را تشکیل می‌دهند در حالی که طبیعت انسانی فراتر از آن است<sup>۳۵</sup> و به قول امام راحل تربیت غرب، انسان را از خودش خلع کرده است.<sup>۳۶</sup>

#### جامعه و حکومت

حضور دین در عرصه‌های اجتماعی به صورت کامل است و دین مبین اسلام با استفاده از احکام و قوانین متنوع، نظام کلی اجتماعی را به بشریت معرفی کرده و تمام نیازهای فردی و اجتماعی را در قالب یک نظام به هم پیوسته ارزیابی نموده و آن‌ها را در یک نگاه مجموعه‌نگر و بر پایه مبانی واحد از طریق احکام فردی و اجتماعی پاسخ می‌گوید. در این نگاه جامعه دارای هویت مستقلی است که از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با نهادهای اجتماعی و تنظیمات ویژه برخوردار می‌باشد. نوع تنظیمات هر یک از آن‌ها علاوه بر تأثیر در یک‌دیگر اثر مستقیمی در تربیت و هدایت شهروندان جامعه بر جای می‌گذارد. لذا به اعتقاد ما تنها اسلام و به‌ویژه معارف شیعه است که با توجه به همه ابعاد انسان و جامعه و توجه به تمام جهات می‌تواند برنامه هدایت و اداره را براساس نظام ارزشی خاص خود تنظیم نماید و مکاتب مادی به دلیل دیدگاه تک بعدی به حیات انسانی و توجه افراطی به حیات طبیعی از ارائه برنامه برای سعادت انسان و جامعه و پیوند معیشت با سعادت عاجزند. نتیجه طبیعی این دیدگاه این است که دین باید سرپرستی انسان و جامعه را به دست گیرد و تشکیل حکومت دینی ضرورتی واجب است.<sup>۳۸</sup> در این منظر



حکومت و حاکمیت، حق خدای متعال است که به پیامبران الهی تفویض گردیده است و ولایت اجتماعی و در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام هر قدرت اجتماعی نامشروع است، مگر به نیابت از امام معصوم علیه‌السلام<sup>۳۹</sup> و از آنجا که می‌بایست حکومت و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، دینی صورت پذیرد و حجیت آن‌ها نسبت به شریعت و قول و فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام اثبات گردد، لذا واجب است ولی اجتماعی از شرط فقاقت برخوردار باشد، تا نسبت تصمیمات و تنظیمات را با کتاب و سنت برقرار نماید.

#### فلسفه تاریخ

مبانی نظری تمدن موجود در قالب نظریه ترقی، تاریخ را در یک سیر ارتقایی خطی معنا می‌کند و طبق این تحلیل انسان از بدویت به سوی مدنیت و سپس تمدن تکنولوژیک تحول می‌یابد. در این بستر آنچه که چهره تاریخ را تغییر می‌دهد تکامل ابزار است که با تکامل آن‌ها تاریخ نیز متکامل می‌شود و لذا ادوار مختلف با عناوین مأخوذ از همین تصور نام گرفته‌اند: عصر حجر، عصر مفرغ، عصر برنز، عصر آهن و... در این تحلیل دین امری تابع تاریخ طبیعی بشر و ظهور آن در زندگی انسان،

#### دو نگاه

مبانی یک انقلاب مکتب خاص و جهان‌بینی ویژه‌ای است که به‌رغم خود، قدرت جواب‌گویی و حل مسائل و موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دارد و به میزانی که آن مکتب و جهان‌بینی منطبق با واقعیت‌های جهان هستی باشد، به نسبت جامعیت و قدرت کارایی آن کم و زیاد می‌شود

ملی و ضد مذهبی خاندان پهلوی، فعالیت‌ها و مخالفت‌ها و موج اعتراضات مردمی و علما تشدید می‌گردد. یک سوی این اقدامات و مخالفت‌ها، عملکرد طیف بازار و مذهبی است که در قالب نهضت فدائیان اسلام و هیئت‌های مؤتلفه اسلامی با چهره‌های شاخصی هم‌چون مرحوم آیت‌الله کاشانی و شهید سید مجتبی نواب صفوی اقدام به مبارزه سیاسی و فعالیت‌های زیرزمینی و قتل رهبران رژیم سلطنتی می‌نمایند. سوی دیگر این مخالفت‌ها جریان روشن‌فکری قرار دارد که در قالب جبهه ملی و به رهبری دکتر مصدق و نهضت آزادی به فعالیت می‌پردازد. در این ایام حضرت آیت‌الله بروجردی به‌عنوان مرجع تقلید شیعیان به حفظ بنیان حوزه، کادرسازی، تربیت شاگردان و ایجاد شبکه منظم حوزوی مشغول بوده‌اند و در قضیه اصلاحات ارضی با شاه مخالفت نمودند.<sup>۳۳</sup>

در باب نقطه شروع انقلاب، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. جبهه ملی نقطه شروع انقلاب اسلامی را خرداد ۱۳۵۶ و نامه سرگشاده سه نفر از رهبران وقت جبهه ملی می‌داند؛ به نظر حزب توده شروع انقلاب در فروردین ۱۳۵۶ و با اعتصابات کارگری و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی است و به نظر چریک‌های فدایی خلق، مبارزات خارج از محدوده با شهرداری و عوامل انتظامی در تابستان ۱۳۵۶ نقطه آغاز انقلاب اسلامی می‌باشد؛ اما از نظر نیروهای مذهبی فوت مشکوک و ناگهانی آقا مصطفی فرزند ارشد امام در آبان ۵۶ و مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ۱۳۵۶ نقطه آغاز انقلاب اسلامی ایران است.<sup>۳۴</sup>

تردیدی نیست که حضور گروه‌های غیر مذهبی در انقلاب اسلامی یک حضور بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای است و این انقلاب در همه جای جهان با هویت اسلامی و شیعی و به رهبری حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) و روحانیت شیعه شناخته می‌شود و با اعلام شعارها و آرمان‌ها و موضع‌گیری‌ها و حمایت مردم و حضور یک‌پارچه و قوی آنان دارای هویت مستقل می‌باشد. درست است که نقطه آغازین قیام یک‌پارچه ملت ایران که به سرنگونی دودمان پهلوی انجامید، ۱۹ دی ۱۳۵۶ و در اعتراض به چاپ مقاله توهین‌آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات بود؛ اما انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام در یک روند ۱۶ ساله اتفاق افتاده است و آغاز حرکت و نهضت امام علیه شاه و نظام حکومتی از سال ۱۳۴۱ و در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بوده است.

بدوی، معلول خوف و ناتوانی او در برابر عوامل طبیعی است و با تکامل ابزار تولید و توسعه مدنیت تفکر دینی نیز تکامل می‌یابد و در واقع رشد معرفت دینی در سایه رشد ابزار تولید و تکنولوژی اتفاق می‌افتد.<sup>۳۵</sup> نتیجه طبیعی این تحلیل این است که دین و مذهب و انبیاء الهی در رشد و ارتقای تاریخ هیچ‌گونه نقشی نداشته‌اند و امروز که عصر تکنولوژی و ارتباطات است، بشر نیازی به سرپرستی دین و اولیاء الهی نخواهد داشت. لذا هر کس که ابزارهای قوی‌تری دارد و نسبت به آن داناتر است باید سرپرستی جوامع را به عهده داشته باشد. نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما که پایان تاریخ را تسلط لیبرال دموکراسی معرفی می‌کند، از این آیشخور تغذیه می‌شود.

اما در دیدگاه اسلامی و شیعی تاریخ مانند دیگر مخلوقات خدای متعال مخلوق و به‌طور طبیعی محتاج ربوبیت و سرپرستی خالق متعال است. حرکت آن جبری نیست و رو به کمال و تکامل می‌رود. پیامبران عظیم‌الشان برای هدایت بشر و پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی او ارسال شده‌اند و دو جریان نور و ظلمت در طول تاریخ به سرپرستی خدای متعال و اولیاء الهی و در مقابل شیطان و پرچمدارانش در حال مبارزه هستند و عاقبت پیروزی با متقین و صالحین و مستضعفین است.<sup>۳۶</sup> در واقع از این منظر، تاریخ با عصر بعثت آغاز گردیده است و وارد عصر غیبت شده است که در این دوران آخرین ذخیره الهی و وارث تمام پیامبران و اولیاء الهی در پس پرده غیبت و انتظار به سر می‌برد و پایان تاریخ عصر رجعت است که با ظهور آن بزرگوار آغاز می‌شود.

این نوع نگاه به تاریخ و خود را جزئی از جبهه نورانی حق و ایمان دانستن، به آرمان آن عشق ورزیدن و به پایان آن تقدیر تاریخی و فرج خوش امید داشتن و وقوع آن را وعده الهی و حتمی دانستن، جزم‌آفرین، شسوق‌آفرین و حرکت‌آفرین است. انقلاب اسلامی محصول این نوع نگاه به گذشته و آینده تاریخ است و توسط مردمی با این اندیشه برای زدودن موانع ظهور آخرین ذخیره الهی و آماده کردن مقدمات آن و ویرانی بت‌کده‌های درون و بیرون و جریان کامل ولایت الهیه بر پا گردیده است.<sup>۳۷</sup>

## تحلیل چگونگی رخداد انقلاب اسلامی فرآیند شکل‌گیری و تحقق انقلاب اسلامی

با آغاز حکومت محمدرضا شاه و ادامه روند حرکت استبدادی، ضد

### دو نگاه

مبانی نظری تمدن موجود در قالب نظریه ترقی، تاریخ را در یک سیر ارتقایی خطی معنا می‌کند و طبق این تحلیل انسان از بدویت به سوی مدنیت و سپس تمدن تکنولوژیک تحول می‌یابد. در این بستر آنچه که چهره تاریخ را تغییر می‌دهد تکامل ابزار است

### پی‌نوشت

۱۹ - مددپور- محمد، آموزه: مدرنیته و عصر مشروطیت، ص ۵۰.  
۲۰ - بریشون - گرین، کالد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۵۸ و ۵۹.  
۲۱ - حسین - سید حسین، روش تحلیل تفاوت‌های بنیادین دو واژه نهضت و انقلاب مجموعه مقالات (۵)، حکومت و لایت و مرجعیت، ص ۷۹.  
۲۲ - آوینی - سید مرتضی، ماهنامه سوره، تیر ماه ۱۳۸۲.  
۲۳ - الگار - حامد، انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۴۷.  
۲۴ - قرآن مجید - سوره مبارکه بقره، آیه ۳۰.  
۲۵ - و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون: سوره مبارکه: الذاریات، آیه ۵۶.  
۲۶ - هانتینگتون - ساموئل، نظریه برخورد تمدنها، متفانش، ترجمه مجتبی امیری، ص ۱۶۶.  
۲۷ - خمینی - روح الله، کلمات قصار، تنظیم و نشر آثار امام - ص ۱۶۹.  
۲۸ - خمینی - روح الله، شنون و اختیارات ولی فقیه ترجمه میح و لایت فقیه از کتاب البیع، صص ۱۹ تا ۳۳.  
۲۹ - قرآن کریم - سوره مبارکه یوسف آیت ۴۰ و ۶۷ و سوره انعام آیه ۵۷ و نساء آیه ۵۸.  
۳۰ - آوینی - سید مرتضی، ماهنامه سوره - تیرماه ۱۳۸۲.  
۳۱ - سوره مبارکه نور، آیه ۵۵.  
۳۲ - خمینی - روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.  
۳۳ - فراتی - عبدالوهاب - رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی ص ۲۶.  
۳۴ - زبیا کلام - صادقی، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی - صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۱ - علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ۵۹ - ۶۱.  
۲ - جعفریان - رسول، فصلنامه حکومت اسلامی - شماره ۲۸.  
۳ - همان.  
۴ - نیکی، آر، کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۳۳.  
۵ - الحسون، شیخ محمد، حیاة المحقق الکرکی وآثاره ج ۲، ص ۴۴۵ و ۴۴۶.  
۶ - کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۹.  
۷ - حسن زاده، سید مجید، نقی به مشروطیت، مجله پرسمان، شماره ۲۳.  
۸ - نیکی، آر، کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۱۳۴.  
۹ - حسن زاده، سید مجید، نقی به مشروطیت، مجله پرسمان، شماره ۲۳.  
۱۰ - حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۲.  
۱۱ - نامدار- مظفر، آموزه: مدرنیته و عصر مشروطیت، ص ۱۰۹.  
۱۲ - همان، صص ۸۰-۷۹.  
۱۳ - همان - ص ۱۱۰.  
۱۴ - همان، صص ۱۱۲-۱۱۱.  
۱۵ - مددپور- محمد، آموزه: مدرنیته و عصر مشروطیت، ص ۵۸.  
۱۶ - همان - ص ۴۵.  
۱۷ - اعلامیه متحصنین مخالف مشروطه در حرم حضرت عبدالعظیم رهبری شیخ فضل الله نوری که تصویب اصل دوم متمم قانون اساسی (نظارت ۵) مجتهد بر قوانین مصوب مجلس) بعد از این جریان اتفاق افتاد. کسروی - احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۲۱.  
۱۸ - نامدار - مظفر آموزه: مدرنیته و عصر مشروطیت، ص ۱۱۳.

